

واکاوی مؤلفه‌های حکمرانی خوب و تاثیر آن‌ها بر جرایم حکومتی

دکتر حسین جوادی حسین آبادی^۱، عظیم آقابابائی طاقانکی^۲

۱- دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه علامه طباطبائی و قاضی دادگستری

۲- کارشناسی ارشد حقوق شرکت های تجاری دانشگاه شهر کرد و قاضی دادگستری

چکیده

به لحاظ نظری مفهوم حکمرانی خوب پس از تجربه ناموفق اجرای تئوری دولت‌های بزرگ و دولت‌های حداقل به وجود آمد. هرچند از نظر تاریخی نظریه حکمرانی مطلوب پاسخی به چالش‌ها و بحران‌های اقتصادی بود ولی به تدریج در سایر حوزه‌هایی که به نوعی در آن حکومت با شهروندان مرتبط است راه یافت. بدین ترتیب همراه با ارایه تعریفی گسترده از حاکمیت مطلوب مؤلفه‌هایی برای آن شناسایی شد که می‌توان آن‌ها را با نظام‌های گوناگون اجتماعی و از جمله نظام حقوقی مرتبط دانست. مؤلفه‌هایی از جمله حاکمیت قانون، پاسخگویی دولت‌ها، مشارکت گسترده مردم در حکومت، مسئولیت‌پذیری، عدالت‌جویی حکومت، کسب مشروعیت مطابق با قرارداد اجتماعی، به رسمیت شناختن حق نظارت عمومی، فرآیند قانون‌گذاری صحیح، شفافیت، فرآیندمحوری به جای فردمحوری، ارتباط دو سویه مسئولیت و پاسخگویی از جمله ابعاد حکمرانی مطلوب هستند که به صورت مشخص با نظام حقوقی مرتبط است. در حوزه حقوق کیفری عدم رعایت هر کدام از ابعاد حکمرانی مطلوب می‌تواند منجر به یکی از اقسام جرایم حکومتی شود. بدین معنا که مصادیق جرایم حکومتی در واقع جرم‌انگاری عدم رعایت و اجرای مؤلفه‌های حاکمیت مطلوب در نظام حقوقی است. نوشتار پیش رو نشان می‌دهد که می‌توان هر کدام از جلوه‌های جرایم حکومتی را به عدم رعایت یک یا چند مورد از مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب مرتبط دانست. فساد به عنوان یک جرم حکومتی نتیجه عدم شفافیت، فقدان نظارت عمومی و پاسخگویی نهادهای دولتی است که این‌ها کمترین میزان اعتماد حاکمان به شهروندان، حاکمیت رویکردهای کنترلی در بدنه جمعیتی، عدم پذیرش تکثر، پایین بودن میزان اعتماد حاکمان به شهروندان، حاکمیت رویکردهای کنترلی در بدنه حاکمیت باشد. همچنین می‌توان نقض حقوق بشر را به دلیل عدم پیش‌بینی سازوکارهای نظارت بر قدرت، عدم مسئولیت‌پذیری قوای حاکمه و عدم پاسخگویی آن‌ها دانست.

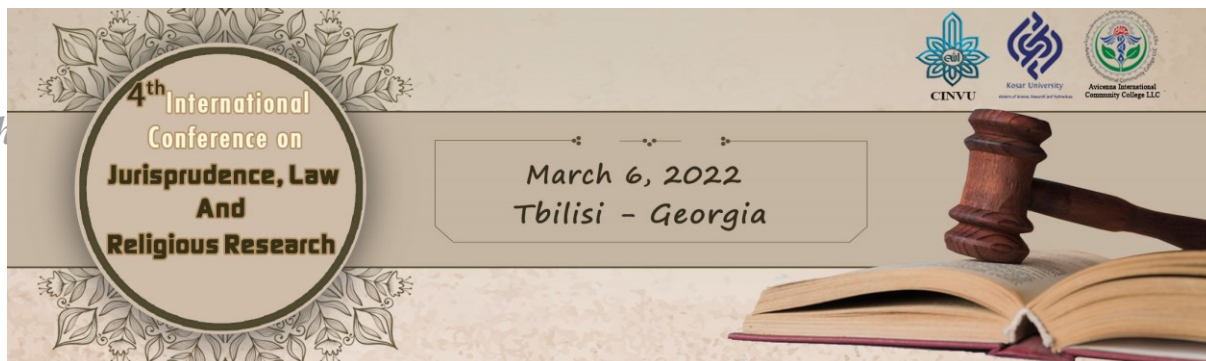
واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، جرایم حکومتی، نقض حقوق بشر، فساد سیاسی



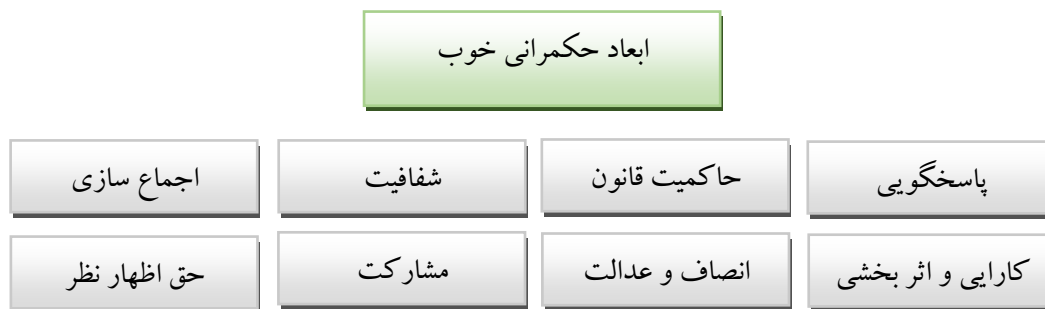
۱- مقدمه

واژه حکومت‌داری بیشتر برای توصیف شیوه‌ای است که یک کشور به وسیله آن حکومت می‌کند، بنابراین حکومت‌داری عرصه وسیع‌تری از واژه حکومت یا دولت دارد. حکومت‌داری طرز اقدام اداری، اقتصادی و سیاسی را تبیین می‌کند. حکومت‌داری خوب تحت نظام سیاسی دموکراتیک زمانی ایجاد می‌گردد که نهادهای بخش عمومی با کیفیتی کامل شکل گرفته باشند و درون کشور نیز جامعه مدنی قوی و منسجمی وجود داشته باشد. در نظام مبتنی بر حکمرانی خوب نهادهای بخش عمومی نظارت دایم نسبت بر نهادهای دولتی دارند. در اسناد برنامه توسعه سازمان ملل متحد که در ۱۹۹۷ میلادی منتشر شده است ۹ ویژگی اساسی برای حکومت‌داری خوب احصا شده است. اول مشارکت به معنای آن که همه زنان و مردان باید در حرکت تصمیم‌گیری یک کشور مشارکت داشته باشند. آنان باید به طور مستقیم یا با همکاری در نهادهای حقوقی که منافع همگان را در نظر دارند، در این تصمیم‌گیری‌ها مشارکت نمایند. عرصه چنین مشارکتی بر پایه آزادی انجمن‌ها، احزاب، سخنرانی و افزایش زیر ساخت‌های مشارکت نهفته است. اصل بعدی قانونگرایی است. مطابق این اصل چهارچوب‌های حقوقی باید به گونه‌ای مطلوب و بی طرفانه، بویژه در عرصه حمایت از حقوق بشر تقویت شود. البته قانون صرف نمی‌تواند تنها ملجأ تضمینی برای حمایت از حقوق شهروندی باشد. چه در بسیاری از کشورهای جهان سوم قوانین پیشرفته و قابل قبولی نیز در زرادخانه حقوقی و کیفری موجود است، اما تکرر و تناوب نقض‌های حقوق شهروندی از سوی حکومت، به امری عادی مبدل گشته است. دلیل این امر می‌تواند فقدان اصل حاکمیت قانون در تمام لایه‌های نظام سیاسی و اجتماعی باشد. همچنین دشواری اجرای قانون زمانی که برخاسته از وجدان جمعی جامعه نباشد یکی دیگر از مشکلات موجود در این خصوص است. به عبارت دیگر دولت قانونمدار دولتی است که در آن قانون‌داری ویژگی‌های ذاتی خاصی است. مهمترین این ویژگی‌ها رعایت شأن انسانی و حفاظت از آزادی‌هاست.

شفافیت یکی دیگر از مؤلفه‌های حکمرانی خوب است. شفافیت زمانی حاصل می‌شود که جریان آزاد اطلاعات وجود داشته باشد و در روند مذکور اخبار نهادها و اطلاعات برای آگاهی یا اقدام در دسترس عوامل مربوط قرار گیرد. احساس مسئولیت به عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های حکمرانی خوب بر این مساله تاکید دارد که همه نهادها و اقدامات جاری باید در خدمت تمام شهروندان باشد و آن‌ها احساس مسئولیت مشترک در قبال شهروندان داشته باشند. با توجه به اینکه بیشترین احتمال آسیب به حقوق و آزادی‌های مردم از سوی قوه‌ی اجرایی کشور است، الگوی پاسخگویی کشورهای دموکراتیک در این زمینه بسیار مفید و کاربردی است. در چنین نظام‌هایی، دولت حداقل به دو گونه پاسخگو است: یکی مسئولیت حقوقی و قضایی در مقابل محاکم و و دیوان‌های اختصاصی اداری یا شبه‌قضایی در رابطه با پابندی مقامات حکومتی به قانون و دیگری پاسخگویی سیاسی به پارلمان و مردم در مورد اقدامات و سیاست‌ها و برنامه‌های دولت. از



دیگر مؤلفه‌های حکمرانی خوب می‌توان به تساوی، سودمندی و کارآیی، پاسخگویی، نگرش استراتژیک اشاره کرد. نمودار زیر ابعاد کلی حکمرانی خوب را نشان می‌دهد:

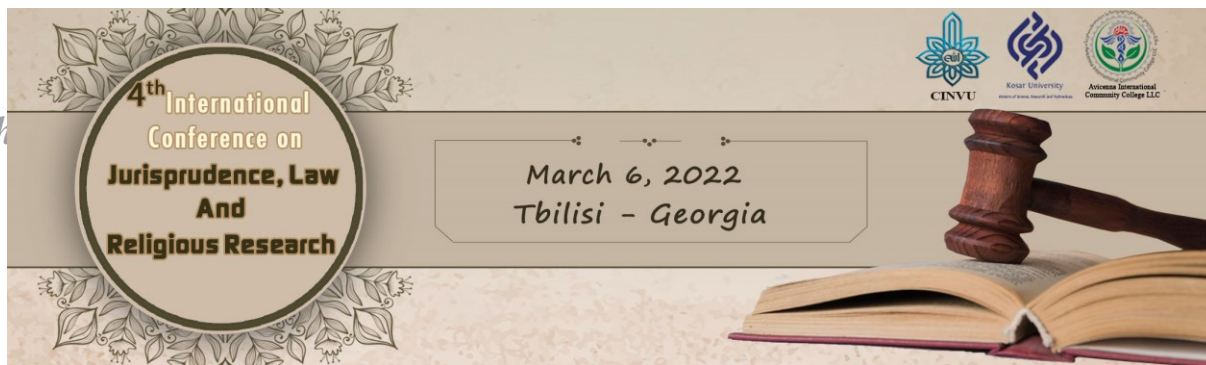


نمودار شماره ۱- ابعاد حکمرانی خوب

۲- حکمرانی خوب و پیش‌گیری از نقض حقوق بشر

اگر جرم را نقض حقوق بشر بدانیم حکومت‌ها بزرگ‌ترین ناقضان حقوق بشر و در نتیجه مهم‌ترین بزهکاران به شمار می‌آیند. در رویکرد حقوق بشری به جرم‌شناسی، بزهکار فرد نیست بلکه شخص است و مصداق بارز شخص، شخص حقوقی است. بنابراین دولت به عنوان یک شخص حقوقی می‌تواند مرتکب جرایم گوناگون از جمله علیه شهروندان شوند. نظریه حکومت‌داری خوب با هدف پیش‌گیری از جرایم حکومتی در حوزه حقوق بشر تلاش می‌کند با ارایه چارچوب‌هایی احترام به حقوق بشر از جانب حکومت‌ها را تضمین نماید. حکومت‌داری خوب و حقوق بشر صرف‌نظر از برخی مباحث تاریخی هم‌زاد یکدیگرند و در بیشتر موارد نزدیک‌ترین ارتباط را با یکدیگر دارند و همراه یکدیگر توسعه یافته‌اند. در جدول زیر برخی از اصول حکومت‌داری خوب و ارتباط آن با حقوق بشر آمده است.

پیوند با حقوق بشر	اصل حکومت‌داری ایده آل
یک حکومت دموکراتیک واقعی نمی‌تواند حاصل شود مگر آن‌که تک تک افراد ضامن حقوق مدنی و سیاسی باشند. به مفهوم دیگر افراد باید آزادانه و بدون ترس از دستگیری، شکنجه یا تبعیض بتوانند دیدگاه‌های خود را مطرح نمایند.	فرایندها و حکومت دموکراتیک

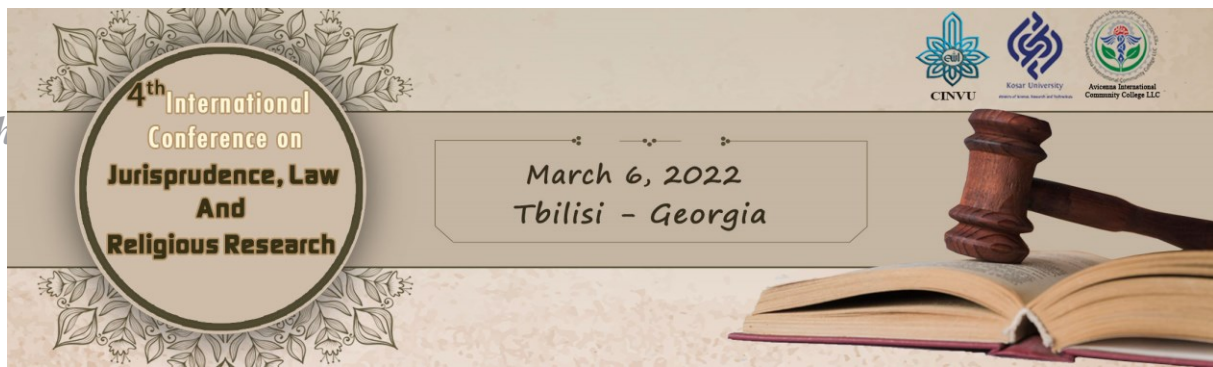


<p>این نهاد از میان سیاستگذاری حکومت خوب توسعه می‌یابد، اما نمی‌تواند از نظر اداری کارآمد باشد مگر آن‌که کارکنان حقوق کافی داشته باشند. حقوق کافی موجب می‌شود مردم از زندگی و خانواده خود حمایت کنند و همین موجب کاهش فساد حکومت می‌گردد.</p>	<p>ملت کارآمد و موثر</p>
<p>اولویت دادن به قانونگرایی و نظام حقوقی بی‌طرف از حقوق مدنی همه ملت در ارتباط با رفاه و کامیابی، امنیت شخصی و آزادی حمایت می‌کند. نظام قضایی و حقوقی باید از حکومت مستقل باشد و بتواند به منافع هم شهروندان فراتر حزب خاص سیاسی عمل کند. در این شیوه از حقوق مدنی شهروندان علیه تجاوز دولت جلوگیری می‌شود.</p>	<p>اولویت قانونگرایی و نظام حقوقی موثر و بی‌طرف</p>
<p>جامعه مدنی مقوله‌ای است که در آن مردم در حکومت کشور خود با مشارکت در جامعه سهیم هستند. مشارکت برای مردم فقیر، بیکار، گرسنه، بی‌خانمان و بی‌سواد دشوار است. مردمی که در این وضعیت زندگی می‌کنند، حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را انکار می‌کنند. حکومت‌داری خوب به درستی نمی‌تواند ایجاد شود، مگر اینکه این حقوق بوسیله حکومت ضمانت شود و حکومت مسئولیت امنیت اجتماعی در قبال ملتش را بپذیرد.</p>	<p>جامعه مدنی قوی</p>
<p>سرمایه‌گذاری برای مردم به معنی ایجاد نیروی کار است. کار مطلوب ایجاد نمی‌گردد، مگر آن‌که حقوق بشر اجتماعی و اقتصادی پایه شامل حقوق کافی، آموزش و پرورش، خدمات بهداشتی، تغذیه و سرپناه تا حد کافی تامین گردد.</p>	<p>اولویت اصلی برای سرمایه‌گذاری در قبال مردم</p>
<p>حکومتی که نتواند اقتصاد خود را به خوبی مدیریت نماید منابع کافی برای حمایت از حقوق بشر نخواهد داشت و اگر این حقوق وجود نداشته باشد مشکل است که نهادهای شفاف و پاسخگویی را ایجاد کنیم که لازمه توسعه پایدار و حکومت‌داری خوب است.</p>	<p>مدیریت دقیق در اقتصاد ملی</p>

جدول شماره ۱- برخی از اصول حکومت‌داری خوب و ارتباط آن با حقوق بشر

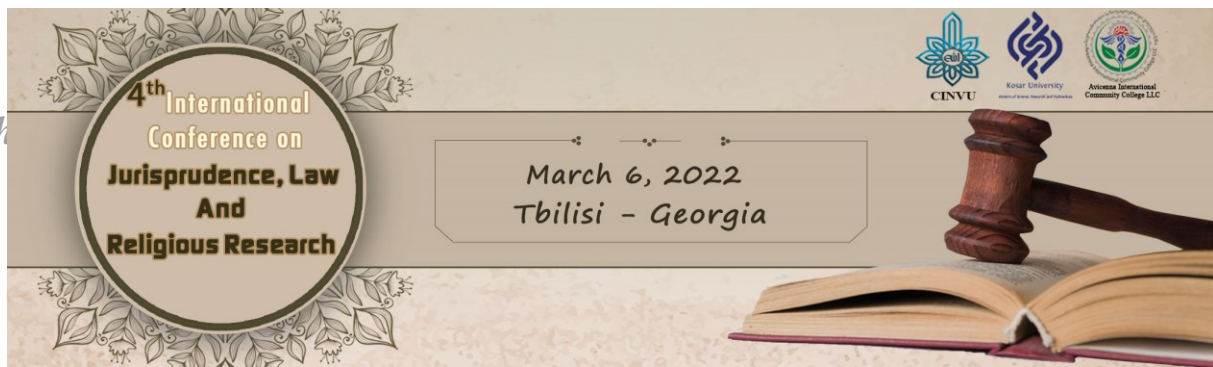
۳- حکمرانی خوب و پیش‌گیری از فساد

فساد ضمن ایجاد فضای رقابتی منفی و افزایش هزینه‌ی انجام امور، بی‌اعتمادی عمومی نسبت به دولت و سازمان‌ها را



افزایش داده و اعتقادات و ارزش های اخلاقی جامعه را متزلزل می نماید. بر اساس گزارش سازمان بین المللی شفافیت در سال ۲۰۱۴ کشور ایران را از لحاظ فساد در بین ۱۷۵ کشور در رتبه ۱۳۶ قرار داد. این گزارش که بر اساس داده های جمع آوری شده طی ۲۴ ماه تهیه و تدوین شده است، علاوه بر رتبه، برای شفافیت اداری و اقتصادی هر کشور نمره ای نیز در نظر گرفته شده است. هرچه این نمره بیشتر باشد به معنای شفافیت بیشتر است. بر این اساس، نمره ایران در شفافیت اداری و اقتصادی در گزارش سال ۲۰۱۴ برابر با ۲۷، در گزارش ۲۰۱۳ برابر با ۲۵ و در گزارش سال ۲۰۱۲ برابر با ۲۸ بوده است. در این گزارش کشور دانمارک با نمره ۹۲ از ۱۰۰ شفاف ترین کشور جهان معرفی شده است و پس از آن کشورهای نیوزیلند با نمره ۹۱ و فنلاند با نمره ۸۹ به ترتیب رتبه های دوم و سوم را به خود اختصاص داده اند. آمار فوق نشان می دهد هرچند در سال های اخیر تلاش های بسیاری برای مبارزه با فساد در سطوح مختلف صورت پذیرفته است ولی همچنان فساد و عواقب ناشی از آن به عنوان یکی از مشکلات اساسی کشور مطرح است. از دیدگاه برخی از پژوهشگران رویکرد اخلاق گرایانه به فساد اداری، خطای تعمیم بوروکراسی وبری، پنهان کاری و شفافیت گریزی در رسیدگی به فساد اداری، اقتدار بوروکراتیک، مخدوش بودن حقوق ارباب رجوع و شکنندگی بالای آن در دستگاه بوروکراسی کشور، تقلای دلسوزانه در محیط رانتهی، مالکیت متمرکز رسانه ها و مطبوعات و اعمال محدودیت های دولتی بر کم و کیف گزارش دهی آن ها، استفاده ناقص از روش های بازارگرا، فشار افراد و گروه های خاص برای جلوگیری از پیگیری جدی مبارزه با فساد اداری و بی اعتمادی به نهادها و سازمان های مستقل ضد فساد اداری علت اصلی ناکامی اقدامات انجام شده در رابطه با فساد دانسته شده است (خضری، ۱۳۸۷).

به نظر می رسد در کنار عوامل پیش گفته امروزه با نوعی شعار زدگی در حوزه فساد اداری مواجه هستیم به گونه ای که دولت های مختلف یکی از اولویت های خود را مساله فساد و مبارزه با آن اعلام می کنند حتی زمانی که افراد مرتبط با فساد شناسایی می شوند مسئولان اجرایی کشور به جای معرفی آنان به مراجع قضایی، صرفا به تهدید آنان از طریق اعلام اسامی مفسدان بسنده می کنند. این امر می تواند به خاطر آن باشد که در صورت اعلام اسامی مفسدان اداری و اقتصادی منافع عده ای به خطر افتاده و به همین جهت مانع این امر می شوند. عوامل حقوقی یکی دیگر از مواردی است که می تواند زمینه فساد در ایران را فراهم آورده است. این عوامل عبارتند از اهمال کاری و آسان گیری دستگاه قضایی، برخوردهای مصلحتی و ملاحظه محور با مفسدان و کارایی پایین دستگاه های نظارتی و بازرسی در شناسایی موارد فساد (خضری، ۱۳۸۴). عوامل گوناگونی بر ناکارآمدی سیستم های حقوقی و قضایی مرتبط با مسائل سازمانی موثر هستند. از جمله آن که اگر چه مجریان قانون در جامعه بر روش های قانونی جلوگیری از فساد و تخلفات تاکید کرده و داعیه مبارزه با فاسدان اداری و اقتصادی را مطرح می کنند اما قوانین مشخص، مدون، صریح و شفاف در این زمینه وجود نداشته یا به شدت نارساست. از این منظر هرگاه عاملان فساد با راهکارها و سیاست های قانونی مواجه با جرایم و تخلفات مواجه می شوند با استناد به تبصره ها و ابهامات موجود در قوانین این امکان را به دست می آورند که با توجیحات قانونی راه



را بر اجرای قانون سد نمایند. از طرف دیگر وجود قوانین متعارض، نفی کننده، ناسخ و منسوخ به علاوه عدم رعایت عدالت در مواجهه با کارکنان عادی دولت و کارگزاران منتخب و منصوب، همچنین خلأ قانونی، وجود دسته بندی های متعدد از جرایم، موازی کاری سازمان ها، سردر گمی مجریان قانون، سوء استفاده از قوانین موجود، دور زدن قوانین، ابهام در شمول قوانینی چون ارتشاء، اختلاس، جعل و... زمینه گرایش به سوء استفاده از منافع را برای فساد دولتی به وجود آورده است. جدول زیر راهبردهای حکمرانی خوب در پیش گیری از فساد را نشان می دهد.

حکمرانی خوب و پیش گیری از فساد



نمودار شماره ۲- راهبردهای حکمرانی خوب و پیشگیری از فساد

۴- حکمرانی خوب و پیش گیری از خشونت

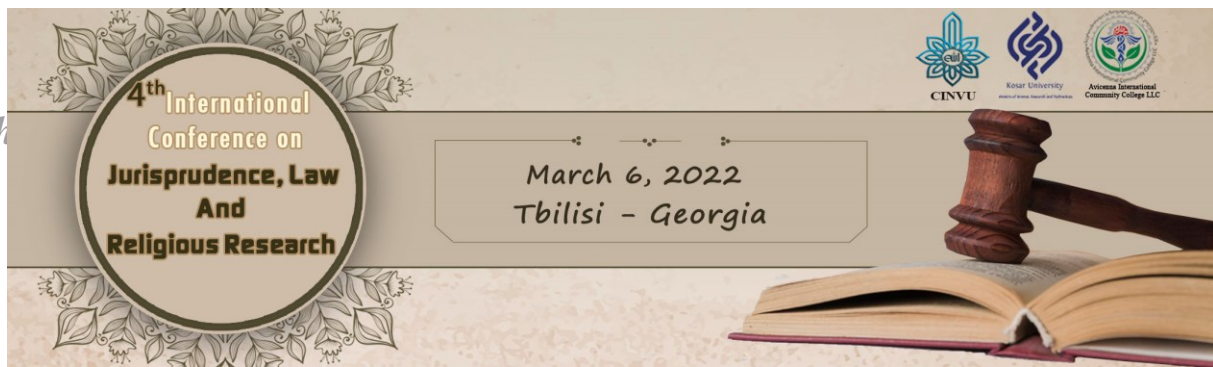
رعایت اصل قانونگرایی، مسئولیت پذیری، پاسخگویی و تساوی از جمله مؤلفه های حکمرانی خوب است که می تواند در کنترل قوای حاکمه در اعمال خشونت علیه شهروندان به عنوان یک جرم حکومتی موثر باشد. قانونگرایی و قانونمندی دستگاه های صاحب قدرت و نظارت بر آن ها ضمن آن که چارچوب اعمال قدرت را مشخص می سازد زمینه سوء استفاده از آن را محدود می سازد. هرچند کشورهای توسعه یافته به دلایل گوناگون علاقه مند به رعایت اصول فوق به صورت کامل در عمل نیستند ولی تلاش نموده اند تا حداقلی از استانداردهای حکمرانی خوب را در رابطه با اعمال قدرت



نهادهایی همچون پلیس بر مردم ایجاد کنند. این مساله در نهادهایی که به صورت غیررسمی حق اعمال زور بر مردم را دارند پیش تر جلوه گر بوده و در نتیجه هیچ محدودیتی در اعمال خشونت علیه مردم ندارند. حکمرانی خوب با تاکید بر مفاهمی همچون لزوم قانونمندی نهادهای صاحب قدرت، مسئولیت پذیری قوای حاکمه به صورت کلی و نیروهایی مانند پلیس و مامورین امنیتی و همچنین تاکید بر پیش بینی سازوکار پاسخگویی این نیروها در برابر اعمال ارتكابی می تواند نقش موثری در پیش گیری از بروز جرایم حکومتی از نوع اعمال خشونت بر مردم داشته باشد.

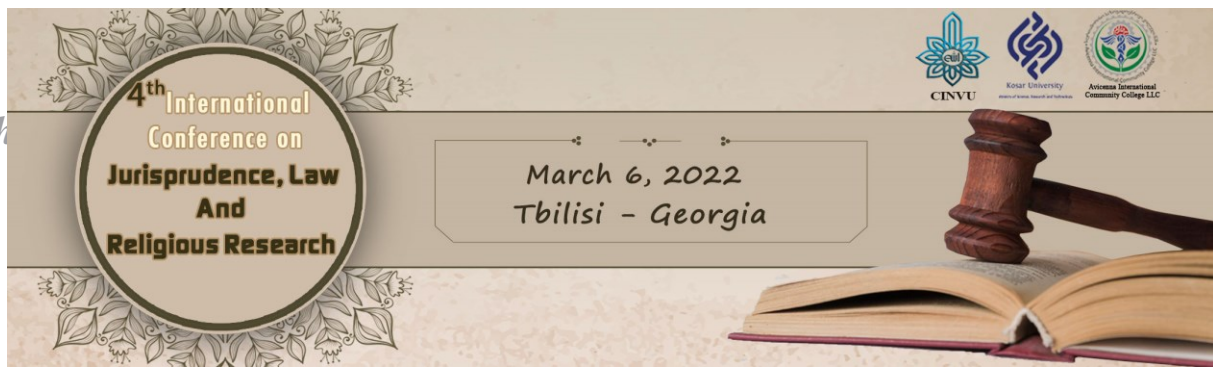
۵- حکمرانی خوب و نظارت غیر قانونی

نظریه حکمرانی مطلوب با تاکید بر مفاهیمی همچون حق بر آزادی و حق برخورداری از حریم خصوصی که از جمله حقوق بشری محسوب می شود می تواند دولت و قوای حاکمه را از تهدید حقوق و تحدید آزادی های عمومی کنترل نماید. هر فردی حق دارد که در جامعه آزادانه رفت و آمد و فعالیت نماید و بتواند با سایر افراد ارتباط داشته باشد. همچنین هر شخصی واجد حریم خصوصی است. فرد باید بتواند خود و یا اطلاعات مربوط به خود را مجزا کند و در نتیجه بتواند خود و یا اطلاعاتش را با انتخاب خویش در برابر دیگران آشکار کند. حق مصونیت از تعرض حکومت، شرکت ها، یا افراد به حریم خصوصی، در بسیاری از کشورها به عنوان قوانین حفظ حریم خصوصی وجود دارد، و در برخی موارد در قانون اساسی آنها آمده است. میزان نظارت بر شهروندان از سوی حکومت ها متفاوت است. معمولاً هر اندازه دولت ها بیشتر واجد مؤلفه های دموکراسی باشند و مردم نقش بیشتری در حکومت داشته باشند دایره نظارت قوای حاکمه بر آنها کمتر و در نقطه مقابل هر اندازه دولت ها اقتدارگرا تر و روش اداره کشور به الگوهای دیکتاتوری نزدیک تر باشد امکان نظارت بیشتری بر شهروندان وجود دارد. زمانی که فضای بی اعتمادی میان حکومت و شهروندان حاکم باشد، حاکمان تلاش می کنند تا مخالفان خود را با زدن برچسب های مانند ضدانقلاب، اغتشاش گر، عناصر دست نشانده و ... تحت انواع گوناگونی از نظارت غیرقانونی قرار دهد. فراتر از این دغدغه حاکمان نسبت به افرادی که بالقوه می توانند چنین ویژگی هایی داشته باشند، این امکان را فراهم می آورد تا به صورت مختلف آنها را مورد نظارت قرار دهند. نظارت غیرقانونی علی رغم این که می تواند یک جرم حکومتی تلقی گردد، دارای آثار زیان بار مادی و معنوی بر شهروندان عادی است. به علاوه نظارت صرفاً بر گروه خاصی اعمال می شود در حالی که مسئولین و صاحبان قدرت همواره مصون از نظارت هستند. علاوه بر نظارت غیرقانونی دستگاه های حکومتی بر مردم نظیر کنترل تماس های تلفنی، نیروهای دارای قدرت نظامی نیز به صورت گسترده موظف بر نظارت بر شهروندان هستند. به گونه ای که این نیروها حق نظارت بر روابط شخصی و خصوصی افراد و ورود غیر مجاز به اماکن و منازل مسکونی را برای خود قائل هستند. راهکار برون رفت از چنین وضعیتی پیش بینی اصول پیش گفته در قوانین و تعیین ضمانت اجرای اداری، انتظامی و النهایه کیفری برای ناقضان این حقوق و تقویت دستگاه های نظارت بر قدرت است.



۶- حکمرانی خوب و تضمین دادرسی عادلانه

بازتاب عملکرد نامناسب دستگاه قضایی عملکرد دیگر نهادهای حکومتی را مخدوش و اعتماد عمومی را سلب می‌کند. حکمرانی خوب با مطرح ساختن اصولی از جمله اصل استقلال و بی‌طرفی، اقتدار به معنای آن که نهادهای قضایی تحت تاثیر هیچ نوع شخصیت حقیقی و حقوقی، مرجع و فشار نهادها نبوده و راسا بتوانند در چارچوب قانون اقدام کنند تلاش می‌کند تا حد امکان رعایت اصول دادرسی منصفانه را تضمین نماید. یکی دیگر از اصول ذکر شده در این زمینه رعایت عدالت و انصاف در رسیدگی‌های قضایی است. عدالت به معنای اعطای حق هر ذی‌حقی به اوست ولو آن که صاحب حق از موقعیت پایین‌تری برخوردار باشد. تفاوت در نقش اشخاص و قدرت آنها نباید عامل محرومیت عده‌ای از حق خود شود. حاکمیت نمی‌تواند به دلیل بهره‌مندی از زور و قدرت فائقه شهروندان را از خود بناید خود محروم سازد. حاکمیت اصل برابری و مساوات به معنای تساوی عمومی در برابر قانون و عدم اعمال تبعیض یکی دیگر از الزامات حاکمیت خوب در رابطه با نظام حقوقی است. همچنان که امکان دسترسی به عدالت برای اقشار مختلف مردم باید فراهم باشد، نظام قضایی لازم است ضمن دقت عمل با سرعت اقدام نماید و مقرون به صرفه باشد. ویژگی اخیر بر این موضوع دلالت دارد که نهادهای قضایی باید ضمن ارزانی جهت دسترسی عموم بخشی از هزینه‌های فرآیند دادرسی را نیز تامین کند. نظام قضایی باید پذیرای بزه‌دیدگان و کسانی باشد که حقوق انسانی آنها به ویژه از سوی حکومت نقض شده است چه در غیر این صورت با بروز بزه‌دیدگی ثانوی و سلب اعتماد از دستگاه‌های مجری عدالت هنگام با فاصله گرفتن شهروندان از حکومت، زمینه بروز انواع جرایم از سوی شهروندان و حکومت فراهم خواهد شد.



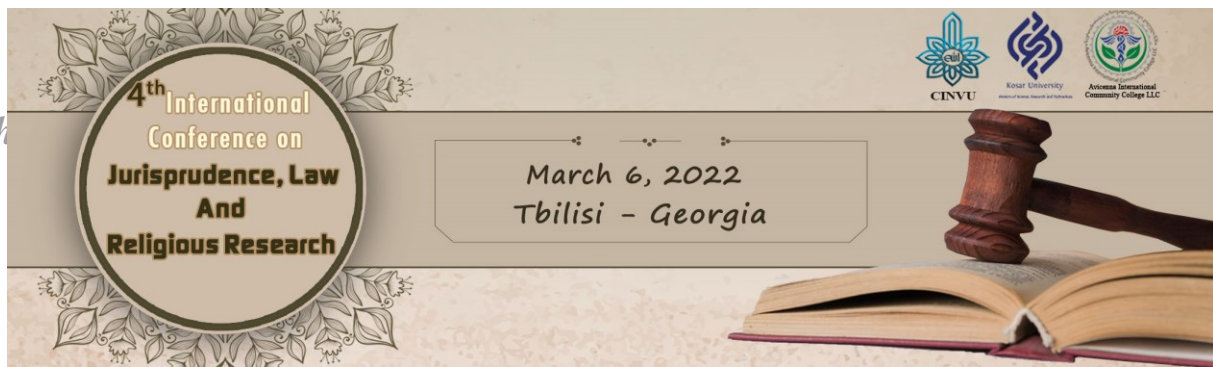
پیش گیری از جرایم حکومتی در پرتو کاربست مؤلفه‌های حکمرانی خوب

توازن قوا و نظارت ملی	اقدامات محلی	تدابیر اداری	اقدامات ملی
<ul style="list-style-type: none"> -افزایش اقتدار و توانمندی نظارتی مجلس بر قوه مجریه - تضمین استقلال بیشتر قوه قضاییه - افزایش توانایی حرفه ای مجلس و قوه قضاییه - توانمند سازی سایر نهادهای نظارتی مستقل 	<ul style="list-style-type: none"> -ایجاد فرصت برای مداخله انجمن های توانمند اجتماعی - حرکت به سمت واگذاری قدرت به مقامات منتخب محلی - افزایش رقابت در بین مؤسسات خدمات عمومی و میان آن‌ها با مؤسسات خصوصی 	<ul style="list-style-type: none"> -تقویت عملکرد گرایبی از جمله نظارت بر هزینه کرد بودجه عمومی -اصلاح خدمات کشوری - تقویت منابع و ظرفیت نهادهای محلی در طراحی و ارایه خدمات عمومی - تضمین استقلال نهادهای تنظیم گری - تقویت اخلاق خدمت رسانی به مردم 	<ul style="list-style-type: none"> -آزادی بیشتر اطلاعات و افشای عمومی فعالیت های دولت - برگزاری انتخابات آزاد، عادلانه و قانونی - امکان نقد عمومی سیاست ها - انتشار داده ها در خصوص کیفیت حکمرانی - گسترش رسانه های مستقل

نمودار شماره ۴- پیش گیری از جرایم حکومتی در پرتو کاربست مؤلفه‌های حکمرانی خوب

۷- نتیجه گیری

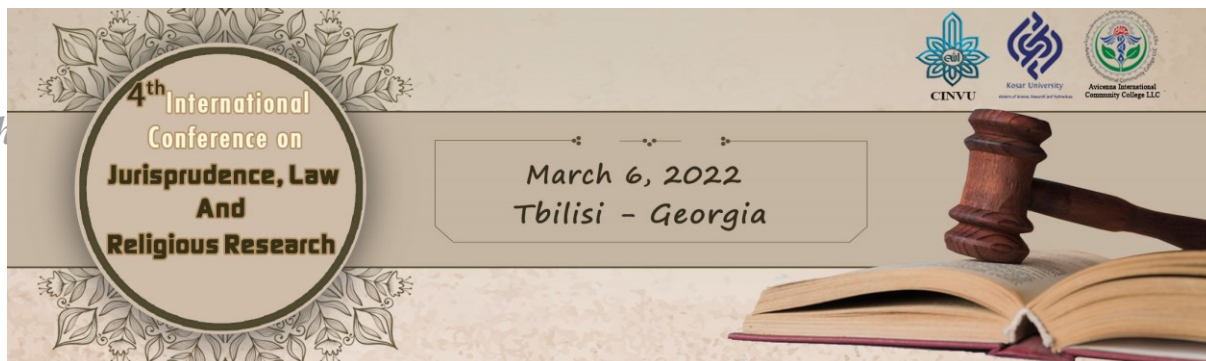
حکمرانی مطلوب تحت نظام سیاسی دموکراتیک زمانی ایجاد می گردد که نهادهای بخش عمومی با کیفیتی کامل شکل گرفته باشند و درون کشور نیز جامعه مدنی قوی و منسجمی وجود داشته باشد. ویژگی‌های اساسی حکومت داری خوب عبارتند از مشارکت مبتنی بر آزادی مردم، حاکمیت قانون، شفافیت، احساس مسئولیت مشترک در قبال شهروندان، پاسخگویی، اجماع سازی، انصاف و عدالت، تساوی، سودمندی و کارایی و اثربخشی. عدم توجه به هریک از مولفه هایی پیش گفته در حکمرانی منجر به بروز آسیب به حقوق بنیادین شهروندان از سوی سازمان حکومت می شود که در حال حاضر در ادبیات جرم شناختی با عنوان جرایم حکومتی شناخته می شود. از دیگر سو اعمال عناصر حکمرانی مطلوب در اداره جامعه سبب تضمین حقوق شهروندان و پیش گیری از بروز جرایم حکومتی خواهد شد.



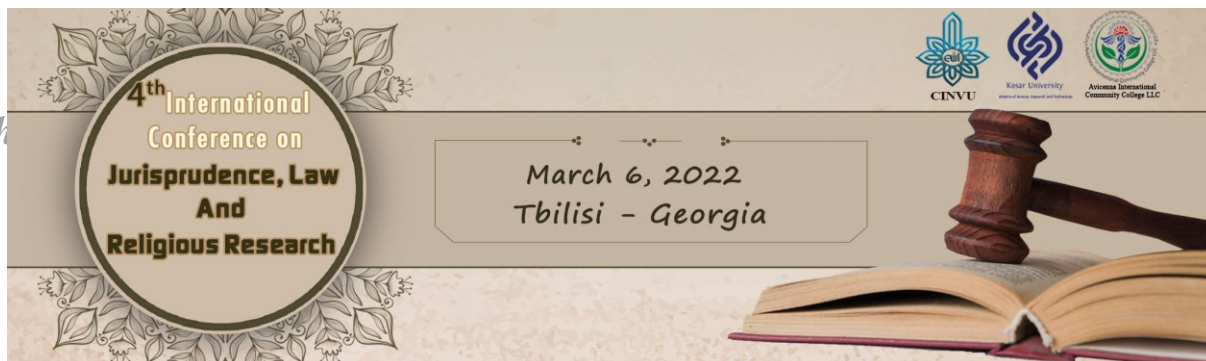
مقاله ای که از نظر گذشت به طور مشخص به ارتباط برخی از مولفه های حکمرانی خوب با جرایم حکومتی در ابعاد حکمرانی خوب و پیش گیری از نقض حقوق بشر، حکمرانی خوب و پیش گیری از فساد، حکمرانی خوب و پیش گیری از خشونت، حکمرانی خوب و نظارت غیر قانونی، حکمرانی خوب و تضمین دادرسی عادلانه پرداخت.

در حوزه نخست حکومت داری خوب و حقوق بشر صرف نظر از برخی مباحث تاریخی همزاد یکدیگرند و در بیشتر موارد نزدیک ترین ارتباط را با یکدیگر دارند و همراه یکدیگر توسعه یافته اند. از جمله اصول حکومت داری خوب که با حقوق بشر در پیوند است می توان به فرایندها و حکومت دمکراتیک، ملت کارآمد و موثر، اولویت قانونگرایی و نظام حقوقی موثر و بی طرف، جامعه مدنی قوی، اولویت اصلی برای سرمایه گذاری در قبال مردم، مدیریت دقیق در اقتصاد ملی، اشاره نمود. در حوزه حکمرانی خوب و پیش گیری از فساد باید گفت که تقویت جامعه مدنی که نتیجه آن آزادی نشر و مطبوعات توسعه سازمان غیر دولتی، مشارکت مردم در تصمیم گیری دولت، تقویت بعد نظارتی مجلس، تقویت احزاب و انضباط مالی است می تواند در پیش گیری از جرایم حکومتی در این حوزه موثر باشد. همچنان که تمرکز زدایی، شایسته سالاری، اصلاح نظام پرداخت، تدوین قوانین کارآمد، استقلال دستگاه قضایی، استفاده از نهادهای مدنی، بکارگیری شیوه های شفاف، کاهش مداخلات قضایی، نظام بودجه کارآمد، کاهش تبعیض علیه بخش خصوصی، ساده سازی قوانین و انضباط مالی می تواند در کنترل فساد موثر باشد. در حوزه کنترل خشونت قانونگرایی و قانونمندی دستگاه های صاحب قدرت و نظارت بر آنها ضمن آن که چارچوب اعمال قدرت را مشخص می سازد زمینه سوء استفاده از آن را محدود می سازد. حکمرانی خوب با تاکید بر مفاهمی همچون لزوم قانونمندی نهادهای صاحب قدرت، مسئولیت پذیری قوای حاکمه به صورت کلی و نیروهای مانند پلیس و مامورین امنیتی و همچنین تاکید بر پیش بینی سازوکار پاسخگویی این نیروها در برابر اعمال ارتكابی می تواند نقش موثری در پیش گیری از بروز جرایم حکومتی از نوع اعمال خشونت بر مردم داشته باشد. همچنین حکمرانی مطلوب با تاکید بر مفاهیمی همچون حق بر آزادی و حق برخورداری از حریم خصوصی که از جمله حقوق بشری محسوب می شود می تواند دولت و قوای حاکمه را از تهدید حقوق و تحدید آزادی های عمومی بر حذر دارد.

یکی دیگر از نتایج بی توجهی به موضوع حکمرانی خوب نظارت غیر قانونی است که علی رغم این که می تواند یک جرم حکومتی تلقی گردد، دارای آثار زیان بار مادی و معنوی بر شهروندان عادی است. علاوه بر نظارت غیر قانونی دستگاه های حکومتی بر مردم نظیر کنترل تماس های تلفنی، نیروهای دارای قدرت نظامی نیز به صورت گسترده موظف بر نظارت بر شهروندان هستند. به گونه ای که این نیروها حق نظارت بر روابط شخصی و خصوصی افراد و ورود غیر مجاز به اماکن و منازل مسکونی را برای خود قائل هستند. راهکار برون رفت از چنین وضعیتی پیش بینی اصول پیش گفته در قوانین و تعیین ضمانت اجرای اداری، انتظامی و النهایه کیفری برای ناقضان این حقوق و تقویت دستگاه های نظارت بر قدرت است. النهایه بازتاب عملکرد نامناسب دستگاه قضایی عملکرد دیگر نهادهای حکومتی را مخدوش و اعتماد



عمومی را سلب می کند. حکمرانی خوب با مطرح ساختن اصولی از جمله اصل استقلال و بی طرفی، اقتدار به معنای آن که نهادهای قضایی تحت تاثیر هیچ نوع شخصیت حقیقی و حقوقی، مرجع و فشار نهادها نبوده و راسا بتوانند در چارچوب قانون اقدام کنند تلاش می کند تا حد امکان رعایت اصول دادرسی منصفانه را تضمین نماید.



منابع و ماخذ

- جدی، حسین. ریشه های فساد اداری و شیوه های مبارزه با آن، مجله سیاسی اقتصادی. ۲۸۱. ۱۳۸۹.
- حسینی، علی و شمش، عبد الحمید. راهکارهای مبارزه با فساد اداری بر اساس ارزشهای اسلامی، مجله پژوهش های مدیریتی، سال دوم، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
- خداداد حسینی، حمید، فرهادی نژاد، محسن. بررسی فساد اداری و روش های کنترل آن، فصلنامه مدرس، ۵، ۱۳۸۰.
- شریف زاده، فتاح، رحمت الله قلی پور حکمرانی خوب و نقش دولت، فرهنگ مدیریت، ش ۴، ص ۴۸۵۶. ۱۳۸۲
- شریفیان، جمشید. راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان ملل متحد، نشر وزارت امور خارجه ایران، تهران. ۱۳۸۰.
- صوفی مجیدپور، مسعود، نظریه حکمرانی خوب به منزله سیاست توسعه، ماه علوم اجتماعی، ش ۸۷، ص ۱۴-۱۱. ۱۳۸۳
- عباس زادگان، محمد. فساد اداری. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی. ۱۳۸۳.
- فاضل، رضا. آسیب های اجتماعی ایران. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک. ۱۳۸۷.
- فراهانی، محمد. جامعه شناسی فساد و امنیت. تهران: پرسمان. ۱۳۸۴.
- قلی پور، رحمت الله، نیک رفتار طیبه. فساد اداری و راهکارهای مناسب مبارزه با آن. مجلس و پژوهش، ۵۳، ۱۳۸۵.
- محنت فر، یوسف. فساد اقتصادی و چگونگی مبارزه با آن در فرایند توسعه اقتصادی. همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، ۱۳۸۷
- مشفق، محمد علی. آسیب شناسی اجتماعی فساد اداری و اقتصادی در ایران. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام ۱۳۸۹.
- میدری، احمد، جعفر خیر خواهان، حکمرانی خوب بنیان توسعه، دفتر بررسیهای اقتصادی مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی. ۱۳۸۳
- نادری، محمد مهدی، حکمرانی خوب معرفی و نقدی اجمالی، اسلام و پژوهش های مدیریتی، ش ۱، ص ۶۹ - ۹۳. ۱۳۹۰
- ناظمی اردکانی، محمد، حکمرانی خوب بارویکرد اسلامی، علوم انسانی، سال هفدهم، ش ۷۶، ص ۱۰۷-۱۳۸۷
- نقیبی مفرد، حسام. حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی شدن حقوق بشر. تهران. شهر دانش. ۱۳۸۹.
- هاشمی، سید محمد. حقوق بشر و آزادی های اساسی، نشر میزان، چاپ اول. ۱۳۸۴.